

فلور قارچی محیط در محل‌های اسکان حجاج ایرانی و نقش آنها در بیماریهای تنفسی

حج تمتع - ۱۳۸۳

دکتر پیروش کردبچه (دانشیار)*، دکتر فریده زینی (استاد)*، دکتر کاظم محمد (استاد)**، دکتر حسین ضیائی (استادیار)***،
دکتر سیدمنصور رضوی (دانشیار)****، خانم مهین صفاآرا (همتراز مربی)*، خانم نسرین قرائیان (تکنسین آزمایشگاه)*
* گروه انگل شناسی و قارچ شناسی، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی تهران
** گروه اپیدمیولوژی و آمار حیاتی، دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی تهران
*** گروه چشم پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی شهید بهشتی
**** گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی تهران

چکیده

مقدمه: با توجه به بروز بیماری تنفسی در عده قابل توجهی از زائرین خانه خدا در طی مراسم حج تمتع سالهای اخیر و عوارض و مشکلات ناشی از آن، تعیین عامل اتیولوژیک بیماری مزبور جهت پیش گیری، کنترل و درمان آن لازم و ضروری به نظر می‌رسد. آنچه مسلم است عوامل میکروبیال محیطی در ایجاد بیماریهای تنفسی نقش مهم و اساسی دارند. در بین این عوامل قارچها ارگانسیم هائی با پراکندگی وسیع در طبیعت هستند که اسپور آنها از طریق هوا پخش شده و همواره در محیط وجود دارند و قادرند اثرات زیان باری بر سلامت انسان داشته و منجر به بروز عفونت، آلرژی و حتی عوارض توکسیک گردند.

مواد و روشها: در مطالعه اخیر با جمع‌آوری و کشت نمونه‌های بدست آمده از محیط، در محل اقامت و تجمع زائرین ایرانی در طی مراسم حج ۱۳۸۳ و با انجام تست‌های سرولوژیک بر روی در نمونه خون ۱۴۶ زائر داوطلب (به فاصله ۸ هفته)، سعی گردید نقش قارچها در ایجاد بیماری تنفسی حجاج مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

یافته‌ها: در این مطالعه جمعاً ۲۵۲۱ کلنی شامل ۲۳ جنس و گونه مختلف قارچی از محل اقامت حجاج در شهرهای مکه و مدینه و مناطق عرفات و منی جدا گردید که شامل قارچهای رشته‌ای ساپروفیت ۷۹ درصد، قارچهای رشته‌ای پاتوژن (درماتوفیت) ۳/۶ درصد و قارچهای مخمری ۱۷/۴ درصد بود. گونه‌های اسپریلوس شایع‌ترین (۴۳/۴ درصد) عوامل قارچی جدا شده در این بررسی بودند. تست‌های کانترایمونوالکتروفورزیس و لائکس آگلوتیناسیون که جهت تشخیص بیماریهای قارچی فرصت طلب (اسپریلوزیس، کاندیدازیس و کریپتوکوکوزیس) بعمل آمد همگی منفی بوده و مورد مثبتی مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها: نتایج بدست آمده از این مطالعه، گرچه نقش قارچها را در ایجاد بیماری تنفسی حجاج تأیید نمی‌نماید ولی با توجه به تنوع بیماریها و عوارض ایجاد شده توسط قارچها و مشکلات تشخیص بالینی آنها، تأثیر قارچها بر سیستم ایمنی بیمار و ایجاد زمینه جهت بروز سایر عفونت‌ها و یا عفونت ثانویه با قارچها، توصیه می‌شود که در صورت تداوم بروز بیماری تنفسی در طی مراسم حج، بررسی جامع تر و کامل تری بعمل آمده و نقش قارچها مورد ارزیابی بیشتری قرار گیرد.

کلمات کلیدی: حج تمتع، حجاج ایرانی، بیماری تنفسی قارچی، فلور قارچی محیط

مقدمه

قارچها ارگانسیم هایی متجاوز از ۱۰۰ هزار گونه مختلف با پراکندگی وسیع در طبیعت می باشند (۱). اسپور قارچها از طریق هوا پخش شده، مدت‌های طولانی به صورت معلق باقی مانده و با نشستن بر سطوح مختلف منجر به آلودگی آنها می گردند. از طرف دیگر اسپورهای جایگزین شده بر روی سطوح نیز قادرند مجدداً به اسپورهای معلق در هوا تبدیل گردند (۲). بنابراین با ادامه این روند، شاهد آلودگی دانسی محیط با اسپورهای قارچی خواهیم بود که می تواند اثرات زیان باری بر سلامت انسان داشته، منجر به بروز عفونت، آلرژی و حتی عوارض توکسیک ناشی از تماس با این عوامل گردد (۳). به این ترتیب تعیین فلور قارچی محیط جهت ارزیابی ارتباط بین قارچهای محیطی و اثرات مضر و بیماریزای آنها لازم و ضروری خواهد بود.

با توجه به بروز بیماری نسبتاً شدید تنفسی با اتیولوژی نامشخص در تعداد قابل توجهی از زائرین خانه خدا در سالهای اخیر (۴) و با در نظر گرفتن نقش احتمالی قارچها در بروز این بیماری، مطالعه اخیر جهت تشخیص بیماری قارچی و تعیین فلور قارچی محیط در محل اقامت زائرین ایرانی حج تمتع در سال ۱۳۸۳ صورت گرفت. مسلماً اطلاعات بدست آمده از این مطالعه می تواند در تعیین نقش قارچها به عنوان عوامل مضر و بیماریزا کمک کرده راهنمایی جهت استفاده از متدهای صحیح تشخیصی و اتخاذ روش های مناسب درمانی باشد و اهمیت قارچها را به عنوان عوامل تهدید کننده سلامت حجاج در طی مراسم حج نشان دهد.

مواد و روشها

جهت انجام این تحقیق، نمونه برداری در دو بخش مختلف بعمل آمد:

- ۱- نمونه برداری از محیط
 - ۲- نمونه برداری از افراد داوطلب.
- محل نمونه برداری از محیط، اقامتگاه زائرین در شهرهای مکه و مدینه و نیز چادرهای محل اقامت این افراد در مناطق

منی و عرفات بود. نمونه برداری از محیط در دو بخش نمونه برداری از هوا و سطوح به عمل آمد. جمع آوری نمونه در مکه و مدینه در یک نوبت، ولی در مناطق منی و عرفات با توجه به شرایط خاص محیطی و بیابانی بودن منطقه و استفاده از چادر جهت اسکان حجاج، در دو نوبت قبل و بعد از ساکن شدن افراد انجام شد.

جهت نمونه برداری از هوا از روش پلیت باز استفاده شد و بدین منظور پلیت های محتوی محیطهای کشت سابورودکسترو آگار (S) و برین هارت اینفوژن آگار (BHI) به مدت ده دقیقه در ارتفاع یک متری از سطح زمین قرار داده شدند. سپس با گذاشتن درپوش، پلیت های مزبور در دمای محیط و ۲۷ درجه سانتی گراد (به ترتیب برای محیط های S و BHI) نگهداری شده و روزانه از نظر رشد کلنی های قارچی کنترل و بررسی گردیدند. لازم به ذکر است که جهت دقت در انجام آزمایشات، تمامی پلیت های مورد استفاده در این مطالعه، ابتدا به مدت ۲۴ ساعت در دمای ۲۷ درجه سانتی گراد قرار داده شده بعد از اطمینان از عدم آلودگی، جهت نمونه برداری بکار رفتند. ضمناً به منظور کم کردن خطای نمونه برداری، پلیت گذاری در هر مکان بصورت سری دوتائی برای فضائی به اندازه تقریبی ۲×۳×۳ متر صورت گرفت. برای نمونه برداری از سطوح، از سواب و موکت استریل استفاده شد و از سطوح مختلف مانند کف، دیوار، پنجره و وسایل گوناگون داخل اتاقها و همینطور سطوح داخلی و درزهای چادرها و وسایل موجود در آنها نمونه برداری گردید. نمونه برداری از کف و دیوارهای اتاقها با استفاده از روش موکت انجام شد و با کشیدن یک تکه موکت به ابعاد تقریبی ۴×۴ سانتیمتر بر روی این سطوح نمونه لازم جمع آوری و با تکان دادن و تماس موکت مزبور بر روی پلیت های محتوی محیط های S و BHI کشت بعمل آمد. جهت نمونه برداری از سایر سطوح سواب استریل مرطوب شده با سرم فیزیولوژی بکار رفت و با کشیدن آن بر روی این سطوح، نمونه برداری انجام گردیده نمونه ها بر روی محیط های S و BHI به روش میکروپ شناسی کشت داده شدند. تمامی محیط های کشت در دمای محیط و ۲۷ درجه سانتی گراد (به ترتیب برای محیط های S و BHI) قرار گرفته روزانه از نظر رشد کلنی های قارچی کنترل

جدول شماره ۱- قارچهای جدا شده از محل استقرار کاروانهای حجاج ایرانی در مکه، مدینه و مناطق منی و عرفات به ترتیب فراوانی- حج تمتع ۱۳۸۳

قارچ	تعداد کلنی	درصد
<i>Aspergillus spp.</i>	۱۵۲۸	۴۳/۴
<i>Zygomycete spp.</i>	۳۹۰	۱۱
<i>Rhodotorula rubra</i>	۲۵۲	۷/۱
Yeasts	۱۸۷	۵/۳
<i>Candida spp.</i>	۱۷۴	۴/۹
<i>Cladosporium spp.</i>	۱۰۱	۲/۹
<i>Chrysosporium spp.</i>	۹۲	۲/۶
<i>Acremonium spp.</i>	۹۱	۲/۶
<i>Penicillium spp.</i>	۸۴	۲/۴
<i>Curvularia spp.</i>	۷۱	۲
<i>Alternaria spp.</i>	۵۹	۱/۷
<i>Paccilomyces spp.</i>	۵۸	۱/۶
<i>Fusarium spp.</i>	۵۷	۱/۶
<i>Microsporum audouinii</i>	۵۳	۱/۵
<i>Ulocladium spp.</i>	۵۲	۱/۴
<i>Drechslera spp.</i>	۴۰	۱/۱
<i>Pseudallescheria boydii</i>	۳۶	۱
<i>Trichophyton verrucosum</i>	۳۱	۰/۹
<i>Geotrichum spp.</i>	۲۸	۰/۸
<i>Aureobasidium spp.</i>	۲۷	۰/۸
<i>Epidermophyton floccosum</i>	۲۲	۰/۶
<i>Trichophyton schoenleinii</i>	۲۱	۰/۶
<i>Scopulariopsis spp.</i>	۱۸	۰/۵
<i>Chaetomium spp.</i>	۱۷	۰/۵
<i>Stemphylium spp.</i>	۱۵	۰/۴
<i>Phoma spp.</i>	۹	۰/۲
<i>Trichothecium</i>	۸	۰/۲
جمع	۳۵۲۱	۱۰۰

گردیدند. نهایتاً با کنترل محیطهای کشت، تعداد کلنیهای قارچی و مشخصات آنها ثبت شده و با انجام اسلاید کالچر و مطالعه ساختمان میکروسکوپی، قارچهای جدا شده از محیط شناسائی گردیدند. در ضمن جهت تشخیص بعضی از گونههای قارچی، از تستهای بیوشیمیائی نیز استفاده شد.

با توجه به مشکلات بالینی جهت تشخیص بیماریهای ریوی ناشی از قارچها (۱)، در این مطالعه از روشهای آزمایشگاهی جهت تشخیص بیماری در افراد داوطلب استفاده گردید. به این منظور با در نظر گرفتن شیوع قابل ملاحظه بیماری در سالهای قبل (۴)، تعداد ۲۱۰ نفر از زائرین بصورت تصادفی انتخاب شدند تا دو نمونه خون (لخته ناشتا) از آنها به فاصله ۸ هفته تهیه گردد. نمونه اول قبل از عزیمت این افراد به حج و نمونه دوم بعد از بازگشت آنها گرفته شد. لازم به ذکر است که از افراد فوق تنها ۱۴۶ نفر بعد از بازگشت همکاری لازم را در دادن نمونه خون داشتند. نمونههای سرم در آزمایشگاه سرولوژی واحد قارچ شناسی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران از جهت تشخیص بیماریهای قارچی ناشی از قارچهای فرصت طلب شایع (کاندیدا، اسپرژیلوس و کریپتوکوکوس) مورد آزمایش قرار گرفتند. تستهای به عمل آمده شامل کانتراایمونوالکتروفورزیس (CIE) و لاتکس آگلوتیناسیون (LAT) بود. با توجه به آندمیک بودن قارچهای پاتوژن حقیقی، محدود بودن آنها به مناطق خاص جغرافیایی و عدم سرایت این عفونتها از فرد به فرد (۱) و نیز جدا نشدن قارچهای مزبور از نمونههای محیطی در این مطالعه، بیماریهای ناشی از آنها مورد بررسی قرار نگرفت.

یافته ها

تعداد کل ۳۵۲۱ کلنی قارچی از محیط (هوا و سطوح) محل استقرار حجاج در کاروانهای مورد مطالعه جدا گردید (جدول شماره ۱) که مشتمل بر ۲۳ جنس و گونه مختلف بود. قارچهای رشتهای ساپروفیت اکثریت (۷۹ درصد) موارد را تشکیل داده و قارچهای مخمری تنها در ۱۷/۴ درصد موارد مشاهده شدند.

قارچهای رشتهای پاتوژن شامل میکروسپوروم ادوینی، اپیدرموفیتون فلوکوزوم، تریاکوفایتون وروکوزوم و تریاکوفایتون شونن لاینی از جمله قارچهای جدا شده در این بررسی بودند که ۳/۶ درصد موارد را شامل می شدند (نمودار شماره ۱). جنس اسپرژیلوس با ۱۵۲۸ کلنی (۴۳/۴ درصد) شایعترین قارچ جدا شده در این بررسی بود که بعد از انجام

ترایکوفایتون و روکوزوم از محل استقرار حجاج در مکه بود. همانطور که قبلاً ذکر گردید نمونه برداری در مناطق عرفات و منی در دو نوبت قبل و بعد از استقرار حجاج در چادرها صورت گرفت (جداول ۵ و ۴). با انجام تست آماری (χ^2) اختلاف معنی داری ($P < 0.005$) در میزان قارچهای جدا شده از محیط قبل و بعد از ورود حجاج در این چادرها ملاحظه گردید. بالاخره جداسازی درماتوفیت‌های پاتوزن (حیواندوست و انساندوست) از چادرهای محل استقرار حجاج نیز قابل توجه بود.

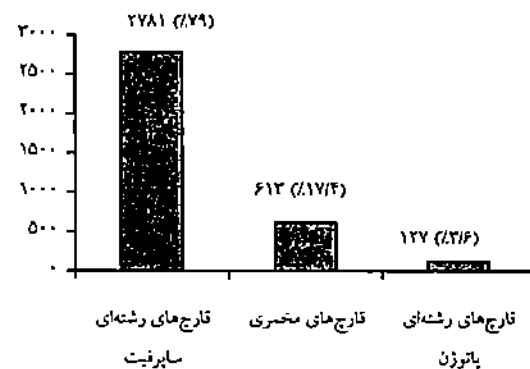
جدول شماره ۲- قارچهای جدا شده از محل استقرار کاروانهای حجاج ایرانی در مکه به ترتیب فراوانی - حج تمتع ۱۳۸۳

قارچ	تعداد کلنی	درصد
<i>Aspergillus</i> spp.	۲۲۸	۴۵/۱
<i>Zygomycete</i> spp.	۶۳	۱۲/۴
<i>Candida</i> spp.	۵۰	۹/۹
<i>Cladosporium</i> spp.	۴۸	۹/۵
<i>Paecilomyces</i> spp.	۴۲	۸/۳
Yeasts	۳۴	۶/۷
<i>Chrysosporium</i> spp.	۲۷	۵/۳
<i>Alternaria</i> spp.	۷	۱/۳
<i>Trichophyton verrucosum</i>	۶	۱/۲
جمع	۵۰۵	۱۰۰

جدول شماره ۳- قارچهای جدا شده از محل استقرار کاروانهای حجاج ایرانی در مدینه به ترتیب فراوانی - حج تمتع ۱۳۸۳

قارچ	تعداد کلنی	درصد
<i>Aspergillus</i> spp.	۳۰۱	۴۲/۵
<i>Rhodotorula rubra</i>	۱۹۴	۲۷/۵
<i>Candida</i> spp.	۵۴	۷/۵
Yeasts	۵۳	۷/۶
<i>Alternaria</i> spp.	۳۶	۵
<i>Acremonium</i> spp.	۳۴	۴/۸
<i>Zygomycete</i> spp.	۱۹	۲/۶
<i>Penicillium</i> spp.	۱۷	۲/۴
جمع	۷۰۸	۱۰۰

اسلاید کالچر به ترتیب فراوانی شامل گونه‌های فلاروس (۳۱/۵ درصد)، نایجر (۲۸/۲ درصد)، فومیگاتوس (۲۳ درصد)، ترئوس (۱۵/۲ درصد) و نیدولانس (۲ درصد) بود. زایگومیسیت‌ها با ۳۹۰ کلنی (۱۱ درصد) دومین گروه قارچهای شایع مشتمل بر گونه‌های موکسور (۵۱/۸ درصد)، رایزوموکسور (۲۶/۷ درصد)، رایزوپوس (۱۹/۷ درصد) و کائینگاملا (۱/۸ درصد) بودند. شایع ترین قارچ مخمری جدا شده در این بررسی رودتورولا رویرا (با ۲۵۲ کلنی) بود که ۷/۱ درصد موارد را تشکیل داده و از نظر فراوانی بعد از زایگومیسیت‌ها قرار داشت. گونه‌های کاندیدا کلاً ۴/۹ درصد قارچهای جدا شده را شامل بودند و سایر گونه‌های قارچی در این مطالعه کمتر از ۳ درصد موارد را تشکیل می‌دادند.



نودار شماره ۱- فراوانی مطلق و نسبی قارچهای جدا شده از محل استقرار کاروانهای حجاج ایرانی - حج تمتع ۱۳۸۳

با بررسی و مقایسه قارچهای جدا شده از محیط در محل استقرار کاروانها در مکه، مدینه و مناطق عرفات و منی (جداول ۵-۲) مشخص گردید که قارچهای محیطی در مناطق عرفات و منی از تنوع بیشتری در مقایسه با مکه و مدینه برخوردار بوده‌اند ولی در تمامی اماکن مورد مطالعه قارچهای جنس اسپریلوس شایع ترین عوامل قارچی جدا شده را تشکیل می‌دادند. در بررسی قارچهای جدا شده از مکه و مدینه (جداول شماره ۲ و ۳)، نکات شایان ذکر جداسازی قابل توجه قارچ مخمری رودتورولا رویرا (۲۷/۵٪) از نمونه‌های محیطی در مدینه و نیز جداسازی قارچ پاتوزن حیواندوست

جدول شماره ۵- قارچهای جدا شده از چادرهای منطقه منی قبل و بعد از استقرار کاروانهای حجاج ایرانی به ترتیب فراوانی - حج

تجمع ۱۳۸۲

قارچ	قبل		بعد	
	تعداد کلنی	درصد	تعداد کلنی	درصد
<i>Aspergillus</i> spp.	۱۰۹	۳۸/۲	۱۶۵	۳۴/۶
<i>Penicillium</i> spp.	۳۷	۱۲/۹	۳۰	۶/۳
Yeasts	۲۱	۷/۴	۲۰	۴/۲
<i>Aureobasidium</i> spp.	۱۸	۶/۳	-	-
<i>Rhodotorula rubra</i>	۱۶	۵/۶	۴۲	۸/۸
<i>Candida</i> spp.	۱۳	۴/۵	۱۱	۲/۳
<i>Cladosporium</i> spp.	۱۲	۴/۲	۲۳	۴/۸
<i>Epidermophyton floccosum</i>	۱۰	۳/۵	۱۲	۲/۵
<i>Zygomycete</i> spp.	۱۰	۳/۵	۳۶	۷/۵
<i>Alternaria</i> spp.	۹	۲/۲	-	-
<i>Microsporum audouinii</i>	۷	۲/۴	۱۱	۲/۳
<i>Trichophyton verrucosum</i>	۵	۱/۷	۲۰	۴/۲
<i>Acremonium</i> spp.	۵	۱/۷	۱۸	۳/۷
<i>Trichothecium</i> spp.	۴	۱/۴	۴	۰/۸
<i>Drechslera</i> spp.	۳	۱	۴	۰/۸
<i>Paecilomyces</i> spp.	۳	۱	۱۳	۲/۷
<i>Pseudallescheria boydii</i>	۲	۰/۷	۲۶	۵/۴
<i>Ulocladium</i> spp.	۱	۰/۳	۱	۰/۲
<i>Curvularia</i> spp.	-	-	۱۶	۳/۳
<i>Scopulariopsis</i> spp.	-	-	۹	۱/۹
<i>Fusarium</i> spp.	-	-	۷	۱/۵
<i>Chrysosporium</i> spp.	-	-	۵	۱
<i>Geotrichum</i> spp.	-	-	۳	۰/۶
<i>Chaetomium</i> spp.	-	-	۱	۰/۲
جمع	۲۸۵	۱۰۰	۴۷۷	۱۰۰

بحث

با توجه به همه گیری بیماری تنفسی در بین زائرین حج در سالهای اخیر و موربیدیتهی قابل ملاحظه این عارضه (۴)،

در این مطالعه از ۲۱۰ نفر داوطلب، ۱۴۶ نفر همکاری لازم را در دادن نمونه خون بعد از بازگشت داشتند. لذا تست‌های سرولوژیک نوبت دوم بر روی نمونه‌های این تعداد از داوطلبین (۱۴۶ نفر) صورت گرفت. نتیجه تست‌های بکار رفته یعنی LAT, CIE که جهت تشخیص آسپرژیلوزیس، کاندیدیازیس و کریپتوکوکوزیس بعمل آمد همگی منفی بود و مورد مثبتی مشاهده نگردید.

جدول شماره ۴- قارچهای جدا شده از چادرهای منطقه عرفات قبل و بعد از استقرار کاروانهای حجاج ایرانی به ترتیب فراوانی - حج جمع

تجمع ۱۳۸۲

قارچ	قبل		بعد	
	تعداد کلنی	درصد	تعداد کلنی	درصد
<i>Aspergillus</i> spp.	۳۵۰	۴۹/۴	۳۷۵	۴۴/۳
<i>Zygomycete</i> spp.	۱۲۲	۱۷/۲	۱۴۰	۱۶/۷
<i>Chrysosporium</i> spp.	۵۲	۷/۳	۸	۰/۹
Yeasts	۴۳	۶	۱۶	۱/۹
<i>Candida</i> spp.	۲۶	۳/۷	۲۰	۲/۴
<i>Acremonium</i> spp.	۲۰	۲/۸	۱۴	۱/۷
<i>Cladosporium</i> spp.	۱۸	۲/۵	-	-
<i>Fusarium</i> spp.	۱۷	۲/۴	۳۳	۴
<i>Curvularia</i> spp.	۱۶	۲/۴	۳۹	۴/۷
<i>Trichophyton schoenleinii</i>	۱۱	۱/۵	۱۰	۱/۲
<i>Microsporum audouinii</i>	۱۰	۱/۴	۲۵	۳
<i>Phoma</i> spp.	۹	۱/۲	-	-
<i>Stemphylium</i> spp.	۸	۱/۲	۷	۰/۸
<i>Alternaria</i> spp.	۷	۰/۹	-	-
<i>Ulocladium</i> spp.	-	-	۵۰	۶
<i>Drechslera</i> spp.	-	-	۳۳	۴
<i>Geotrichum</i> spp.	-	-	۲۵	۳
<i>Chaetomium</i> spp.	-	-	۱۶	۱/۹
<i>Aureobasidium</i> spp.	-	-	۹	۱
<i>Scopulariopsis</i> spp.	-	-	۹	۱
<i>Pseudallescheria boydii</i>	-	-	۷	۰/۸
جمع	۷۰۹	۱۰۰	۸۳۷	۱۰۰

با توجه به مطالب فوق، در مطالعه اخیر با جمع آوری و کشت نمونه‌های بدست آمده از هوا و سطوح مختلف در محل اقامت و تجمع زائرین سعی گردید تا فلور قارچی محیط زندگی آنها تعیین گردد تا بتوان در مورد نقش و اهمیت قارچها در بیماری تنفسی حجاج اظهار نظر نمود.

نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان داد که قارچهای رشته‌ای ساپروفیت (کپکها) ۷۹ درصد قارچهای جدا شده از محیط را در محل اقامت زائرین تشکیل می‌دهند که ناشی از تطابق خوب این دسته از قارچها با محیط و رشد آنها بر روی مواد ارگانیک و حتی غیر ارگانیک در شرایط آب و هوایی مختلف است (۹). در این مطالعه همچنین قارچهای جنس اسپرژیلوس شایع ترین عوامل جدا شده از محیط بودند که این یافته با سایر مطالعات به عمل آمده در دنیا مطابقت دارد زیرا براساس بررسی‌های انجام شده گونه‌های اسپرژیلوس از شایع ترین قارچهای محیطی و عامل مهم بیماریهای قارچی انسان می‌باشند (۱۰). لازم به ذکر است که اگرچه قارچهای ساپروفیت در افراد سالم بندرت عامل عفونت و بیماری مهاجم بوده و معمولاً در بیماران با نقص سیستم ایمنی می‌توانند به صورت یک عامل پاتوژن و خطرناک عمل نمایند ولی استنشاق تعداد زیادی اسپوره‌های این قارچها در افراد سالم نیز ممکن است منجر به بروز بیماری گردد (۱۱). از طرف دیگر این قارچها از عوامل مهم در ایجاد آلرژی‌های تنفسی می‌باشند. بطوریکه بیش از ۸۰ جنس از قارچهای ساپروفیت با علائم و سمپتومهای آلرژیک دستگاه تنفسی همراه بوده اند. گرچه در بین آنها اعضاء جنس اسپرژیلوس عامل مهم بیماری آلرژیک در انسان هستند (۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳) ولی سایر قارچها از جمله جنس‌های کورولاریا، پنی‌سیلیوم و آلترناریا که در مطالعه اخیر نیز از نمونه‌های محیطی جدا شدند از عوامل مهم در ایجاد آلرژی و آسم می‌باشند. ذکر این نکته نیز ضروری است که افراد حساس به اسپور بعضی قارچها ممکن است به اسپور قارچهای دیگر حساسیت نداشته باشند. علائم بالینی بیماران هم به اندازه اسپورها بستگی دارد بطوریکه اسپوره‌های بزرگتر در نازوفارنکس قرار گرفته و با علائم رینیت همراهند در حالیکه اسپوره‌های کوچکتر از ۱۰ میکرون (بخصوص کمتر از ۵ میکرون) قادرند به راههای

تعیین عامل اتیولوژیک بیماری جهت پیش گیری، تشخیص و درمان آن، در اجتماع بزرگ حجاج لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

آنچه مسلم است عوامل میکروبیال محیطی همواره در ایجاد بیماریهای تنفسی نقش مهم و اساسی دارند. در بین این عوامل قارچها ارگانسیم هانی هستند که اغلب از محیط جدا شده و تماس با آنها می‌تواند اثرات زیان باری بر سلامت انسان داشته منجر به بروز عفونت، آلرژی و حتی عوارض توکسیک گردد (۳، ۴ و ۵). لازم به ذکر است که قارچها از نظر میزان اسپوری که وارد محیط می‌نمایند با یکدیگر متفاوت بوده و عوارض ناشی از آنها بسته به نوع و گونه قارچ متغیر است. به علاوه واکنش افراد مختلف در برابر عوامل قارچی نیز متفاوت است (۶ و ۷). بنابراین، جداسازی قارچها از منابع محیطی یکی از اصول اساسی در تعیین و شناخت این عوامل در محیط و بررسی نقش احتمالی آنها در ایجاد عوارض مختلف در انسان می‌باشد. آلودگی محیط با قارچها بطور کلی در دو بخش آلودگی محیط داخل و خارج محل سکونت و زندگی افراد مطالعه می‌گردد. آلودگی محیط داخلی با اسپوره‌های قارچی و اثرات آن بر سلامت انسان موضوعی است که اخیراً مورد توجه بسیار واقع شده است. این عوارض می‌تواند ناشی از تماس طولانی با ارگانسیم و یا منتج از آلودگی شدید فضای داخل ساختمانها با اسپوره‌های قارچی باشد (۸).

منشاء عوامل قارچی داخل ساختمانها و محل اقامت افراد، اغلب همان المانهای قارچی محیط خارج از این مکانهاست. ولی با توجه به نیاز قارچها به منابع غذایی، حرارت و رطوبت مناسب، در صورتی که شرایط بهتری در داخل ساختمان برای آنها فراهم گردد و بخصوص اگر رطوبت کافی و لازم تأمین شود، محیط جهت رشد قارچ بسیار مساعدتر شده اسپور فراوانی تولید خواهد شد. به این ترتیب فلور قارچی محیط داخل ساختمانها اغلب مشابه محیط خارج است ولی در صورت وجود شرایط مناسب جهت رشد قارچ ممکن است شاهد آلودگی بیشتر محیط داخل در مقایسه با محیط خارج از این اماکن باشیم (۷، ۹).

آلوده به کپک وارد ریه شوند (۹، ۱۶، ۱۷). مطالعات نشان می‌دهد که تماس‌های مکرر یا شدید با میکروتوکسین‌های موجود در هوا منجر به تحریک سطوح مخاطی گردیده و با ضایعات التهابی چشم، بینی و گلو همراه است و بدنبال استنشاق نیز توکسین‌های مزبور به آلوده‌ها رسیده و با ایجاد واکنش التهابی منجر به بروز پنومونیت توکسیک می‌گردند که با تب، سردرد، علائم سرماخوردگی، خستگی و ضعف عمومی همراه است. در آلوده‌های ریوی میکروتوکسین‌ها با ممانعت از عمل بیگانه‌خواری ماکروفاژهای ریوی و با سایر مکانیسم‌ها منجر به بروز اختلال در عملکرد سیستم ایمنی شده و زمینه را برای شروع عفونت‌های باکتریال و حتی اسپرزیلوزیس مهاجم ریوی آماده می‌نمایند. در حیوانات آزمایشگاهی نشان داده شده که تریکوتسن‌ها به شدت مانع سنتز پروتئین‌ها شده و ایمونوساپرسیو هستند (۹). قارچهای جدا شده در این مطالعه مانند گونه‌های اسپرزیلوس، فوزاریوم، پنی سیلیوم و کلادوسپوریوم از قارچهای توکسیکوژن شناخته شده می‌باشند که قادر به تولید توکسین در محیط هستند. ولی این جدا سازی نمی تواند دلیل حتمی بر حضور میکروتوکسین‌های قارچی در محل تجمع حجاج باشد زیرا شرایط فیزیکی لازم جهت تولید میکروتوکسین‌ها بسیار اختصاصی بوده و اغلب متفاوت از شرایط لازم برای رشد قارچ است. از طرف دیگر عدم توانایی بعضی از گونه‌های قارچی در تولید توکسین در مطالعات این ویترو به معنای عدم تولید توکسین توسط آنها در محیط نمی باشد (۹). بنابراین جهت اظهار نظر دقیق به مطالعات بیشتری نیاز خواهیم داشت. ولی با توجه به عوارض ذکر شده ناشی از تماس با میکروتوکسین‌ها، با نامساعد نمودن شرایط لازم برای رشد قارچها در محل اسکان حجاج و جلوگیری از رشد قارچهای ساپروفیت می‌توانیم از بروز عوارض ناشی از توکسین‌ها قارچی در این افراد جلوگیری به عمل آوریم (۷، ۹).

بخش دیگر این مطالعه، بررسی ۱۴۶ نفر زائر داوطلب از جهت ابتلاء به بیماریهای قارچی بود. با توجه به آن که گونه‌های اسپرزیلوس تقریباً نیمی از قارچهای جدا شده از محیط را در این بررسی به خود اختصاص داده بودند، لذا

هوایی انتهائی رسیده عامل واکنش‌های آلرژیک بصورت آسم باشند و از آنجائیکه اندازه اسپورهای قارچی متفاوت می‌باشند بنابراین علائم واکنش‌های آلرژیک می‌تواند در سیستم تنفسی فوقانی و تحتانی همزمان بروز نماید (۶، ۹، ۱۲). نکته قابل توجه دیگر تعداد اسپورهای موجود در هواست با وجودی که هنوز نمی دانیم چه تعداد اسپور جهت بروز واکنش‌های آلرژیک لازمست ولی با مطالعات انجام شده مشخص گردیده که به هر حال ارتباطی بین شدت علائم و سمپتومهای آلرژیک با میزان اسپور استنشاق شده وجود دارد. یعنی هرچه شدت آلودگی محیط بیشتر باشد احتمال بروز واکنش‌های شدید آلرژیک بیشتر خواهد بود (۱۴).

با توجه به آنکه ۱۰-۳ درصد افراد نسبت به قارچها حساسیت دارند و این نسبت در مبتلایان به آسم به حدود ۱۰-۳۲ (۱۲) درصد می‌رسد و با جدا سازی قارچهای آلرژیک زا در این مطالعه، این احتمال وجود دارد که در صورت آلودگی شدید محیط تجمع و اسکان حجاج با اسپورهای قارچی شانس بروز واکنش‌های شدید آلرژیک در افراد حساس افزایش یافته و زمینه‌ای جهت بروز عفونت‌های ثانویه تنفسی در آنها باشد. در مطالعه اخیر جهت تعیین اسپورهای قارچی موجود در هوا از روش پلیت باز استفاده نمودیم. این روش بطور وسیع در بسیاری از مطالعات در دنیا بکار رفته و اطلاعات با ارزشی در مورد انواع اسپورهای زنده و قطعات هایف موجود در هوا می‌دهد ولی محدودیت‌هایی نیز دارد زیرا تنها اسپورهایی را که روی محیط قرار گرفته و رشد می‌نمایند نشان داده و نمی‌تواند تراکم اسپورهای موجود در هوا (spore concentration) را مشخص نماید (۶، ۱۵). بنابراین جهت بررسی و تشخیص حساسیت نسبت به قارچها در آینده علاوه بر تعیین نوع، مشخص نمودن میزان تراکم اسپورها در محیط نیز لازم و مفید خواهد بود.

همانطور که قبلاً ذکر گردید وجود قارچها در محیط می‌تواند اثرات و عوارض مختلفی را برای انسان بدنبال داشته باشد. در سالهای اخیر توجه زیادی به قارچهای توکسیکوژن و میکروتوکسین‌ها شده است. میکروتوکسین‌ها متابولیت‌های ثانویه قارچها هستند که توسط تعداد زیادی از گونه‌های قارچی تولید شده و می‌توانند به دنبال استنشاق اسپور یا مواد

در بیماران ضعیف و ناتوان دیده می‌شود و با توجه به بروز بیماری‌های مهاجم قارچی متعاقب سایر عفونت‌ها (۱۸ و ۱۹)، سعی شد تا نقش این قارچها را به عنوان یک مهاجم ثانوی در بیماری تنفسی حجاج بررسی نماییم. با توجه به آنکه علائم بالینی و رادیولوژیک کاندیدیازیس ریوی غیر اختصاصی بوده و آزمایش مستقیم و کشت خلط نیز اغلب نمی‌تواند کلینزاسیون را از عفونت تکمیک نماید، در این مطالعه از تست‌های سرولوژیک جهت تشخیص بیماری استفاده شد. گرچه تست هائی که براساس یافتن آنتی بادی علیه کاندیداست بدلیل داشتن موارد مثبت و منفی کاذب ممکن است ارزش محدودی داشته باشد ولی مطالعات نشان می‌دهد که آنتی بادی با تیترا بالا علیه پروتئین‌های سیتوپلاسمی کاندیدا بندرت در غیاب عفونت کاندیدائی مشاهده شده و تترهای بالا رونده احتمال یک عفونت سیستمیک کاندیدائی را مطرح نموده هشدار برای پزشک جهت پی گیری بیمار خواهد بود. از طرف دیگر سعی شده است از تست‌های تعیین کننده آنتی ژنهای کاندیدائی جهت تشخیص کاندیدیازیس سیستمیک استفاده شود که در این میان LAT دارای حساسیت و ویژگی قابل توجهی است. بنابراین در این مطالعه از دو تست CIE و LAT استفاده شده و سرم داوطلبین (نمونه رفت و نمونه برگشت) با این تست‌ها مورد آزمایش قرار گرفت. زیرا مطالعات انجام شده نشان داده است که جهت تشخیص کاندیدیازیس سیستمیک، تایچ بدست آمده با کاربرد بیش از یک تست قابل اطمینان تر بوده است (۱۸، ۲۰، ۲۱). به هر حال نتایج تمامی تست‌های انجام شده منفی بود و مورد مثبتی در تأیید کاندیدیازیس ریوی در افراد مورد مطالعه مشاهده نگردید. LAT جهت تشخیص کریپتوکوکوزیس تست سرولوژیک دیگری بود که برای تشخیص بیماری قارچی بر روی نمونه سرم داوطلبین در این مطالعه انجام شد کریپتوکوکوزیس کلاً یک بیماری فرصت طلب است که بدنبال استنشاق قارچ مخمری کریپتوکوکوس نئوفورمنس ایجاد می‌شود. عفونت اولیه در انسان اغلب ریوی بوده و سیر مزمنی دارد ولی در بیماران ضعیف و ناتوان می‌تواند بصورت یک عفونت حاد و منتشر تظاهر نموده و تابلوی بالینی آن مشابه عفونت‌های ریوی باکتریال گردد (۱، ۱۸، ۱۹). گرچه در

بیشترین اسپوره‌های قارچی که زائین با آنها در تماس بودند به این جنس قارچی مربوط می‌شد. از آنجائی که علائم بالینی و یافته‌های رادیولوژیک اسپرزیلوزیس ریوی در اغلب موارد اختصاصی نیست، تشخیص بیماری معمولاً نیاز به استفاده از روشهای آزمایشگاهی دارد. ولی آزمایش‌های مستقیم و کشت خلط در فرم مهاجم بندرت کمک کننده بوده و ارزیابی این تست‌ها در سایر اشکال بیماری نیز با توجه به وجود اسپوره‌های قارچ مزبور در هوا و احتمال کلنیزه شدن آنها بر روی سطوح مخاطی و همین طور آلودگی آزمایشگاهی با این قارچها، در اغلب مواقع مشکل می‌باشد. اما تست‌های سرولوژیک (براساس یافتن آنتی بادی در سرم بیمار) در افراد بدون نقص سیستم ایمنی اغلب مفید و ارزشمند بوده و در ۹۰-۷۰ درصد موارد در اشکال بالینی اسپرزیلوس آلرژیک، کلنیزه و مزمن مهاجم ریوی مثبت می‌باشد. حتی نشان داده شده است که استفاده از تست‌های مزبور در تشخیص فرمهای مهاجم این بیماری در افراد بدون نقص سیستم ایمنی نیز ارزشمند است (۱۸ و ۱۹). بنابراین با توجه به آنکه افراد داوطلب هیچکدام سابقه بیماری و نقص ایمنی نداشتند و با در نظر گرفتن ارزش و اهمیت تست‌های سرولوژیک در تشخیص اسپرزیلوزیس، از تست CIE در این مطالعه استفاده شده و این تست بر روی دو نمونه سرم هر بیمار (نمونه رفت و نمونه برگشت) به عمل آمد ولی نتایج تمامی تست‌های انجام شده منفی بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علیرغم فراوانی اسپوره‌های اسپرزیلوس در محل زندگی و تجمع حجاج در طی مراسم حج تمتع، این گونه‌های قارچی نقش مهمی در ایجاد بیماری ریوی آنها نداشتند. ذکر این نکته هم ضروری است که اگرچه در تست‌های روتین معمولاً آنتی ژن قارچ اسپرزیلوس فومیگاتوس به عنوان شایع ترین گونه بیماریزای اسپرزیلوس مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی در مطالعه اخیر با توجه به جداسازی سایر گونه‌های اسپرزیلوس از محیط، این تست با استفاده از آنتی ژن گونه‌های نایجر، فلاروس، ترئوس و نیدولانس نیز به عمل آمد.

گونه‌های کاندیدا ۵ درصد قارچهای جدا شده از محیط را در این مطالعه شامل می‌شدند. ولی از آنجائی که بیماری ریوی ناشی از این گونه‌های قارچی اغلب منشاء آندروژن داشته و

نکته دیگری که در این مطالعه قابل توجه است جدا شدن میکروسپوروم اودینی از چادرهای محل استقرار حجاج در مناطق عرفات و منی می‌باشد. این قارچ یک درماتوفیت انساندوست بوده و عامل شایع اپیدمی کچلی سر در بین کودکان است. گزارش جداسازی این قارچ از موارد درماتوفیتوزیس انسانی در ایران به سالهای دهه ۴۰ تا ۵۰ مربوط شده (۲۳) و از آن زمان تاکنون موردی از بیماری ناشی از این قارچ در ایران نداشته ایم. لذا جدا شدن این ارگانیزم از چادرهای مورد استفاده حجاج احتمال ایجاد عفونت و بیماری را در آنها و در نتیجه انتقال میکروسپوروم اودینی را به ایران مطرح می‌نماید. نهایتاً با توجه به نتایج بدست آمده در این بررسی، با جداسازی گونه‌های مختلف قارچهای ساپروفیت رشته‌ای و مخمیری از محل‌های اسکان حجاج بخصوص چادرهای مورد استفاده در مناطق عرفات و منی (که با ورود زائرین به آنها به دلیل شرایط خاص این مناطق تشدید می‌شود) و نیز جدا سازی قارچهای درماتوفیت پاتوژن (با منشاء انسانی و حیوانی) از محل‌های استقرار حجاج، لزوم رعایت اصول بهداشتی و عدم ایجاد شرایط مناسب جهت رشد قارچها تأکید می‌گردد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان مقاله بدینرسیده مراتب امتنان و سپاس خود را از همکاریهای صمیمانه و ارزشمند آقایان دکتر حمیدرضا صادقی پور، دکتر عبدالله عارفی و دکتر فرهاد نجات در انجام این تحقیق ابراز نموده و از خانم شیرین جعفریان که زحمت نایب این مقاله را عهده دار بوده‌اند نیز تشکر می‌نمایند.

این مطالعه قارچ مزبور از محیط جدا نشد. ولی با مشاهده میزان قابل توجه فضولات کبوتر در محیط خارج از محل اسکان حجاج و احتمال وجود این ارگانیزم قارچی در هوا، سعی شد با انجام تست سرولوژیک نقش این عامل قارچی به عنوان یک مهاجم ثانوی در افراد داوطلب مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که این تست سرولوژیک از حساسیت و ویژگی بالائی (حدود ۹۸ درصد) برخوردار بوده و ارجحیت فوق العاده‌ای نسبت به آزمایش مستقیم و کشت در تشخیص کریپتوکوکوزیس دارد. بطوریکه ممکن است تنها تست مثبت در مراحل اولیه بیماری باشد (۱، ۲۲). این تست در دو نوبت انجام شد ولی نتایج تمامی آنها منفی بود.

به این ترتیب با توجه به نتایج به دست آمده در این مطالعه مقدماتی، به نظر نمی‌رسد که قارچها عامل بیماری تنفسی حجاج باشند ولی همانطور که قبلاً ذکر گردید وجود این ارگانیزمها در محیط می‌تواند اثرات و عوارض مختلفی را برای انسان بدنبال داشته و با مکانیزمهای مختلف زمینه را جهت بروز سایر عفونت‌ها آماده کرده و یا بدنبال سایر عفونت‌ها و ضعف و ناتوانی بیمار به عنوان یک مهاجم ثانویه عمل نمایند. مسلماً با افزایش جمعیت اسپوره‌های قارچی در محیط احتمال بروز عوارض ناشی از آنها نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین در صورت تداوم بروز بیماری تنفسی حجاج توصیه می‌شود مطالعه جامع‌تر و کاملتری در این زمینه به عمل آید.

منابع

1. Sarosi GA, Davies SF 2000. Fungal diseases of the Lung 3rd ed. Lippincott Williams & Wilkins Philadelphia.
2. Kordbacheh P, Zaini F, Kamali P, Ansari K, Safara M. Study on the sources of nosocomial fungal infections at intensive care unit and transplant wards at a teaching hospital in Tehran. Iranian J Publ Health, 2005; 34 (2):1-8.
3. Shelton BG, Kirkland KH, Flanders WD, Morris GK. Profiles of airborne fungi in buildings and outdoor environments in the

- United States. Appl Environ Microbiol, 2002; 68 (4):1743-53.
۴. رضوی سید منصور، ضیائی حسین، صداقت مجتبی. بیماری و مرگ و میر در زائرین ایرانی حج تمتع- ۱۳۸۲. مجله دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تهران (۱۳۸۴)، سال ۶۳، شماره ۵، ص ۳۶۰-۳۵۳.
5. Pei-Chih W, Huey-Jen, Chia-Yin L. Characteristics of indoor and outdoor airborne fungi at suburban and urban homes in two seasons. *Sci Total Environ*, 2000; 253 (1-3):111-8.
6. Anonymous (1997). How moulds can be isolated. Available from: www.botany.utoronto.ca/ResearchLabs/MallochLab/Malloch/Moulds/Isolation.
7. Pascale KL, CHMM, Inc (1993). Mold inspection primer. Available from: www.chmminc.com/mold-inspection-primer.
8. Herbarth O, Schlink U, Muller A, Rieter M. Saptiotemporal distribution of airborne mould spores in apartments. *Mycol Res*, 2003; 107 (pt1):1361-71.
9. McNeel SV, Kreutzer RA (2003). California Dept of Health. Mold & indoor air quality. Available from: http://healthandenergy.com/mold_and_indoor_air_quality.
10. Hogaboam CM, Carpenter KJ, Schuh JM, Bucland KF. Aspergillus and asthma-any link? *Medical Mycology supplement 1*, 2005; 43:5197-5202.
۱۱. زینی فریده، مهبد امیرسیدعلی، امامی مسعود ۱۳۸۳. فارچ شناسی پزشکی جامع چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران.
12. Horner WE, Helbling A, Salvaggio JE, Lehrer B. Fungal allergens. *Clin Microbiol Rev*, 1995; 8 (2):161-179.
13. Kurup VP. Aspergillus antigens: which are important? *Medical Mycology supplement 1*, 2005; 43:5189-5196.
14. Tovey ER, Green BJ. Measuring environmental fungal exposure. *Medical Mycology supplement 1*, 2005, 43:567-70.
15. Lumpkins ED Sr, Corbit S. Airborne fungi survey: II. Culture plate survey of the home environment. *Ann Allergy*, 1976; 36 (1): 40-4.
16. Moustafa AF, Kamel SM. A study of fungal spore populations in the atmosphere of Kuwait. *Mycopathologia*, 1976; 59 (1):29-35.
17. Hodgson MJ, Morey P, Leung WY, Morrow L, Miller D, Jarvis BB, et al. Building-associated pulmonary disease from exposure to stachybotrys chartarum and Aspergillus versicolor. *J Occup Environ Med*, 1998; 40 (3): 241-9.
18. Richardson MD, Warnock DW 2003. Fungal infection diagnosis and management 3rd ed. Blackwell publishing Ltd. Massachusetts.
19. Rippon JW, 1988. *Medical Mycology 3rd ed.* W.B. saunders co. Philadelphia.
20. Evans EGV and Richardson MD, *Medical Mycology, a practical approach.* IRL press, Oxford 1989.
21. Marcilla A, Monteagudo C, Mormenea S, Sentandreu R. Monoclonal antibody 3H8 : a useful tool in the diagnosis of Candidiasis. *Microbiology*, 1999; 145:695.
22. Anaisse EJ, McGinnis MR, Pfaller MD. *Clinical Mycology.* Churchill Livingstone New York , 2003.
23. Binazzi M, Papini M, Simonetti S. Skin mycoses-geographic distribution and present day pathomorphosis. *Int J Dermatol*, 1983; 22:92-7.